



## حقیقت اسرار عبادات (نماز، حج) از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و مقایسه با دیدگاه

امام خمینی(ره) و اعجاز معماری خانه کعبه به‌عنوان جلوه‌ای هنری از اسرار حج

فریده پورسیاحی<sup>۱</sup> ID\*، مریم بختیار<sup>۲</sup> ID\*، فرج‌الله براتی<sup>۳</sup> ID\*

دانشجوی دکتری گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. farideh.poorsayahi@yahoo.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. bakhtiar@iauhvaz.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. farajallahbarati@yahoo.com

### چکیده

یکی از مهم‌ترین مقولات مذهبی که مورد توجه فلاسفه و عرفای مسلمان بوده است مسئله عباداتی چون نماز و حج است. به عقیده عالمان و عارفان دینی هر عبادتی را بطن و سری است که علما و عرفا به نحوی تلاش کرده‌اند تا براساس نظام فکری و عرفانی، اخلاقی و دانش و شناخت معرفتی خویش اسرار موجود در آن را شناسایی کنند. در بین عبادات نماز و حج از جایگاه والایی برخوردار است؛ به‌طوری‌که در میان عرفا و علما بیشتر آیت‌الله جوادی آملی و امام خمینی(ره) به بررسی اسرار نهفته در این دو عبادت پرداخته‌اند. در رویداد بزرگ حج که با مرکزیت کعبه انجام می‌شود یکی از مقولات مهم چگونگی معماری این بنا است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که هر دو عالم و عارف نگاهی عرفانی به اسرار موجود در نماز داشته‌اند با این تفاوت که نماز در دیدگاه امام خمینی (ره) یک رکعت و آن هم یک سفر عرفانی است و همچنین حج از نگاه امام خمینی (ره) یک عبادت سیاسی، اجتماعی، عرفانی و تربیتی و عبادی است؛ درحالی‌که آیت‌الله جوادی آملی بیشتر بر بُعد عرفانی و تهذیب نفس نماز و حج تأکید داشته است. معماری ساده و منحصربه‌فرد خانه کعبه نیز در مراسم حج نقش مهمی در ایجاد احساس پرستش خداوند دارد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و امام خمینی درباره نماز و حج.

۲. بررسی معماری خانه کعبه.

### سؤالات پژوهش:

۱. دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و امام خمینی درباره نماز و حج چگونه است؟

۲. معماری خانه کعبه دارای چه ویژگی‌هایی است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۸

دوره ۱۹

صفحه ۱۸۹ الی ۲۰۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

### کلمات کلیدی

حج،

نماز،

جوادی عاملی،

امام خمینی(ره)،

کعبه.

### ارجاع به این مقاله

پورسیاحی، فریده، بختیار، مریم، براتی، فرج‌الله (۱۴۰۱). حقیقت اسرار عبادات (نماز، حج) از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و مقایسه با دیدگاه امام خمینی (ره) و اعجاز معماری خانه کعبه به عنوان جلوه‌ای هنری از اسرار حج. مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۸)، ۱۸۹-۲۰۴.



[dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.2.2](https://dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1401.19.48.2.2)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.262792.1475](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.262792.1475)



### مقدمه

عبادت در اسلام دارای ابعاد گوناگون و بس عمیق است، پیمودن تمامی آداب و اسرار و قلمرو آن ممکن نیست. از این رهگذر بر همگان لازم است از عامی و عارف که پیوسته و مکرر در باب عبادات بیان‌دیشند تا به قدر وسع و توانایی به بخشی از معارف و اسرار آن متعبد گردند. چون شناخت خدا و رسیدن به محبت و انس خدا و صفات نیکوی الهی مستلزم صفای باطن و پاکی روح از شهوات، خوداری از لذت دنیوی، و تحمل رنج و کوشش در این راه است، از این‌رو فلسفه و اسرار عبادات از دیدگاه امام خمینی بر این امور مقرر شده است (میرحسین: ۱۳۹۰: ۱). عبادت که هدف آفرینش انسان است، اسراری دارد؛ اسرار عبادت غیر از آداب و احکام آن است. احکام عبادت، همین واجبات است که در کتاب‌های فقهی بیان شده است، مانند واجبات و ارکان نماز. آداب نماز مانند آهسته دعا کردن، پاره‌ای از این آداب در کتاب‌های فقهی آمده است و برخی در کتاب‌های اخلاقی، اما اسرار عبادات ارواح و باطن‌های عبادت است که با باطن انسان در ارتباط است و انسان با باطن عبادت محشور می‌شود، این‌گونه بحث‌ها در کتاب‌های عرفانی بیان شده است. عبادات ظاهری دارند و باطنی و سری، که با یادگیری آن اسرار باید بدان‌ها عمل کرد. نماز خواندن و روزه گرفتن و وضو گرفتن و حج رفتن، انجام اعمال حج و دیگر تکالیف جزء احکام الهی است. هر یک از احکام برای آن است که انسان به اسرار آن‌ها پی ببرد و آزاد شود (جوادی آملی: ۱۳۷۷).

ترتیب در هر عبادتی، دلیل روشنی است بر اینکه اعمال و اجزای آن عبادت در طول همدیگر هستند و درک حقیقت هر یک از اجزای عبادت و انجام صحیح آن، متوقف بر درک حقیقت و انجام صحیح جزء قبلی آنهاست. کسی که نماز می‌خواند، هنگامی مقام و مرتبه و حقیقت تکبیر الاحرام را درک خواهد کرد که حقیقت و مرتبه نیت را درک کرده و انجام دهد. و نیز زمانی به حقیقت قرائت و مفاد آن می‌رسد که تکبیر الاحرام را نیز آن‌گونه که شایسته آن هست انجام دهد و درک مقام والای رکوع و انجام صحیح آن نیز متوقف بر شناختن مرتبه و حقیقت قرائت است. و همین‌طور سجده را زمانی می‌توان درک کرد و به حقیقت آن رسید که رکوع را درک کرده باشیم و سایر اعمال و اجزای نماز نیز چنین است. در حج نیز ترتیب ویژه‌ای برای اعمال و مناسک آن مشخص شده است. حج زمانی به حقیقت عبودیت نزدیک می‌شود که اعمال و مناسک آن را با شناختن حقیقت و فهمیدن فلسفه و اسرار آن‌ها به همان ترتیب که در شرع مقدس اسلام ذکر شده، انجام شود. در بسیاری از روایات چنانکه آمده انجام حج بدون توجه به اسرار و حقیقت اعمال حج، تنها انجام ظاهری مناسک حج است و انجام ظاهری مناسک حج در واقع رفتن به میهمانی بدون استفاده از سفره میهمانی است (زارعی، ۱۳۹۱). باتوجه به اهمیت درک حقیقت اسرار عبادات نماز و حج در این پژوهش نیز به بررسی حقیقت اسرار نماز و حج که از مهم‌ترین عبادت‌هاست از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و امام خمینی (ره) پرداخته شده است.

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص حاکی از این است که پژوهش مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است اما آثار متعددی بررسی حج و نماز در اندیشه فلاسفه و عرفا پرداخته‌اند. زهرا حق‌زاده (۱۳۹۶) طی پژوهشی تحت

عنوان «اسرار اعمال حج در قرآن و سنت» بیان کردند نگرشی عمیق و همه‌جانبه به آیات و روایات، به خوبی این معنا را ثابت می‌کند که حج، ظاهری دارد و باطنی و آنچه را مردم در ظاهر انجام می‌دهند با باطن حج فاصله بسیاری دارد و خداوند طالب حقیقت حج است و حجتی را از زائرش می‌خواهد که در آن، روحش متحول و دگرگون شود و در عمل و روح با شیاطین بجنگد و غیر خدا را لبیک نگوید. در این بحث به تبیین گوشه‌ای از اسرار حج پرداخته‌ایم تا زائران خانه خدا بتوانند با آگاهی به این اسرار، این سیر روحی را با سربلندی پشت سر بگذرانند. از این‌رو، ابتدا اسرار و فلسفه تشریح حج، و سپس اسرار اعمال عبادی عمره و حج تمتع از منظر قرآن و روایات بیان می‌شود (حق‌زاده: ۱۳۹۶). نگارش، حمید (۱۳۸۹) طی پژوهشی تحت عنوان «اسرار سیاسی حج از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)» بیان کردند حج، بزرگ‌ترین کنگره اسلامی است. شکوهمندترین محفل دیدار خالق و مخلوق و پر رمز و رازترین عبادت و سیر الی الله است که با دل‌کندن از همه تعلقات دنیوی آغاز می‌شود و تا دیدار یار ادامه می‌یابد. این نوشتار می‌کوشد گوشه‌هایی از رمز و راز این سفر معنوی را که در بیانات، پیام‌ها و مکتوبات رهبران انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی (امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری - مدّ ظله عالی -) آمده است، به رشته تحریر درآورد. اسرار و آرایبی را که این مقال از آن دو بزرگوار بیان می‌کند، سه محور سیاسی (اجتماعی)، عرفانی و اخلاقی دارد. محور نخست، تفصیلی و محور دوم و سوم، اجمالی است (حمید: ۱۳۹۰). میرحسین مبلغ (۱۳۹۰) طی پژوهشی تحت عنوان «اسرار عبادات از منظر امام خمینی (ره)» بیان کردند از دیدگاه امام خمینی (ره) کلیه عبادات انسان‌ها دارای اسراری می‌باشد انفال مال موجب جدایی از محبت دنیوی، روزه خوداری از شهوات و لذات و بعضی عبارت است از ذکر و یاد خدا و متوجه گرداندن قلب به سوی او مانند نماز و برخی عبارت است از تلاش و مجاهده و بذل جان در راه خدا مانند جهاد (مبلغ، ۱۳۹۰). جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) طی پژوهشی تحت عنوان «اسرار نهفته در اعمال حج» بیان کردند اسراری ظاهری و باطنی در اعمال حج نهفته است. اسراری که با شهود قلبی باطن اعمال و ظهور ملکوت اعمال قابل دیدن هستند (جوادی آملی: ۱۳۸۸). زحیلی، وهبه؛ رهبر، محمدتقی (۱۳۷۳) طی پژوهشی تحت عنوان «نگاهی به اسرار حج» بیان کردند باتوجه به منابع قرآنی می‌توان نتیجه گرفت حج دارای اسراری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و معنوی می‌باشد. که مهم‌ترین آن‌ها منافع معنوی و دنیوی و تربیتی آن است (زحیلی، ۱۳۷۳). روش پژوهش حاضر تحلیلی و توصیفی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای است.

## ۱. حقیقت اسرار نماز از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

نماز، دارای حکمت، سر و آدابی است کما اینکه سایر عبادات نیز از این سه مؤلفه برخوردارند، اما در نماز، حکمت، در نهایت عروج و نجات از جزع و زبونی می‌باشد و ادب آن بازگشت به اوصاف نمازگزار دارد؛ اعم از حضور قلب، خشوع، مواظبت از التفات به غیر معبود و... اما سر نماز غیر از این‌هاست. آداب نماز مقدمه‌ای است برای رسیدن به اسرار نماز، زیرا اسرار نماز برای غیر شخص دارای ضمیر طاهر و صفای باطن و قلب سلیم میسر نمی‌گردد. برای نیل به باطن نماز و شهود غیب آن، باید تناسبی بین شاهد و مشهود باشد، زیرا شخص محجوب در نشئه‌ای است که دسترسی به

ما فوق خود ندارد؛ یعنی حس، آنچه را خیال مشاهده می‌کند نمی‌بیند و خیال هم آنچه را که برای عقل قابل مشاهده است ملاحظه نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۴۱۴: ۱۱/۱).

#### ۱.۱. سر وضو

برای اثبات باطن‌دار بودن وضو می‌توان به این روایت استناد کرد یک شخص یهودی به نزد رسول خدا (ص) آمد و در مورد سر وضو از ایشان سؤال می‌کنند؛ پیامبر (ص) نیز در جوابش سر وضو را در شستن تک‌تک اعضا بیان نمودند. این حدیث در جلد دوم وسائل آمده و مضمونش در رابطه با مکرری است که شیطان لعین در مورد حضرت آدم (ع) به کار برد و حضرت با وضو از آن خلاص گردید می‌باشد (جوادی آملی، ۱۴۱۴: ۱۹/۱).

#### ۱.۲. سر تیمم

سر تیمم اظهار تذلل در مقابل عزت محضه و تخضع در ساحت کبریای صرف و تخشع در نزد قدرت مطلقه می‌باشد.

#### ۱.۳. سر تکبیرات

اولین صله، در اسرار تکبیرات افتتاحیه می‌باشد. صورت نماز یکی است و همه نمازگزاران در آن اشتراک دارند اما سیره و سیرت آن متفاوت می‌باشد که این تفاوت باعث تفاوت نمازگزاران می‌شود. مؤید این کلام روایت نبوی است که می‌فرماید: «إِنَّ الرِّجْلَيْنِ مِنْ أُمَّتِي يَقُومَانِ فِي الصَّلَاةِ وَرُكُوعَهُمَا وَسُجُودَهُمَا وَحَدِّدَ وَأَنَّ مَا بَيْنَ صَلَاتَيْهِمَا مِثْلَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»، این نشان‌گر تفاوت ماهوی در نمازهایی است که افراد با درجات مختلف اقامه می‌نمایند. روایت بعدی که از امام موسی بن جعفر (ع) است، در بیان علت تکبیرات افتتاحیه می‌باشد که حضرت می‌فرماید: پیامبر (ص) وقتی به معراج می‌رفت هفت حجاب را از سر راهش برداشت که با رفع هر حجابی تکبیری می‌گفت و خداوند بدین وسیله او را به منتهای کرامت نایل نمود. این روایت نیز همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیان‌گر سری از اسرار تکبیرات است (جوادی آملی، ۱۴۱۴: ۲۲/۱).

#### ۱.۴. سر نیت

ابتداء، در این صله، مفهوم نیت بازگو شده است؛ به این صورت که منظور از نیت، قصد عنوان، مانند صلاة ظهر یا عصر یا مانند ادای دین در امر معاملی نیست کما اینکه مراد، قصد وجه مثل وجوب یا استحباب نیز نمی‌باشد بلکه مراد، خصوص قصد قربت به خداوند سبحان می‌باشد، زیرا این قصد، مدار بحث‌های عرفانی، کلامی و اخلاقی پیرامون صلاح و فلاح قلب می‌باشد. در این زمینه آیات و روایات زیادی رسیده است، از آن جمله آیه ۲۶۴ بقره، آیه ۲۶۵ بقره، آیه ۱۶۳ و ۱۶۲ سوره انعام (همان: ۲۹/۱).

## ۱,۵. سر قرائت

از اشاراتی که به اسرار موجود در آیات قرآن، شده، آیه ۴ سوره زخرف است. قرائت در نماز با «بسم الله» شروع می‌شود که به اسم اعظم از قرابتی که سفیدی چشم به سیاهی آن دارد نزدیک‌تر است. پس یک نمازگزار بامعرفت که مراعات آداب نماز را کرده و با حکمت آن آشناست، یقیناً با توجه تام این جمله را بر زبان جاری کرده و آن را به منزله «کن» از سوی خداوند متعال می‌شمارد. توجه به اسراری که در تک‌تک آیات سوره حمد وجود دارد، باعث عروج یک نمازگزار می‌گردد. صیغه متکلم مع الغیر بودن نعت و نستعین نشان می‌دهد که نمازگزار با این تعبیر خود را در ردیف سایر عبادت‌کنندگان قرار می‌دهد؛ چراکه امر خداوند در آیه ۴۳ سوره بقره است. در این حالت قلب و سایر اعضا و جوارح مؤمن به امام خود که همان عقل قاهر است، اقتدا نموده‌اند، زیرا مؤمن به تنهایی جماعت است (همان: ۳۹/۱).

## ۱,۶. سر قیام و رکوع و سجود

نماز، همان‌گونه که ذکر و قولی دارد، حال و فعلی هم دارد که هر یک از آن‌ها دارای سری می‌باشند. برای رسیدن به اسرار نماز تنها راه، کشف صحیح و نقل معتبر می‌باشد و عقل راهی برای پی بردن بدانها ندارد. حالات نماز، اعم از قیام و رکوع و سجود، ریشه در حالاتی دارد که پیامبر (ص) در معراج پیدا کرده؛ بود حضرت بعد از وضو و غسل از چشمه صاد که قبلاً به آن اشاره شد و قرآن در آیه اول سوره ص بدان اشاره دارد (همان: ۵۵/۱).

## ۱,۷. سر قنوت، تشهد و تسلیم

شکی نیست که نظام تکوین بر طاعت و هدایت استوار بوده و مجالی برای عصیان و گمراهی نیست، زیرا زمام تمام موجودات به دست خداوند و او نیز بر صراط مستقیم است و هر چیزی که زمامش به دست صاحب صراط مستقیم باشد، ناچار هدایت شده خواهد بود؛ آیه ۵۶ سوره هود نیز بر آن دلالت دارد. و آنچه از گمراهی و عصیان در موجودات مشاهده می‌شود، همگی در عالم تشریح می‌باشد. عباداتی مانند نماز نیز برای تطابق این دو نظام؛ یعنی نظام تکوین و تشریح معین گردیده‌اند و به همین جهت در نماز افعالی وجود دارد که تمثیل نظام تکوینی می‌باشند؛ از جمله این حالات قنوت است که عبارت از ابتهال و تضرع می‌باشد (همان: ۲۲/۱).

## ۱,۸. اسرار تعقیبات نماز

تعقیبات نماز هم دارای اسرارند که دعا لب آنها بوده و شروع و پایان نماز با دعا نشان از حال بندگی برای خداوند سبحان دارد (همان: ۸۳/۱).

## ۲. حقیقت اسرار حج از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

اگر کسی بداند که حقیقت و سرّ نماز و حج و سایر عبادات، اموری ملکوتی است و نمازگزار و حج‌گزار واقعی، با این امور ملکوتی هم‌پرواز و همسفر است و فرشتگان قرین و همراه اویند، هنگام اقامه نماز و انجام آن، با نیت برتری در آن

وارد شده، به آن می‌پردازد. برای جای جای حرم و نیز مناسک حج و عمره اسرار و رموزی است که جز برای زائران خاص که صاحب‌خانه را در مجالی گوناگون مشاهده کرده، به دیدار رب‌البیت و شهود آیات آفاقی و انفسی آن و امتثال حج ابراهیمی و اعتمار ناب حسینی(ع) نائل می‌شوند مکشوف نخواهد بود. عظمت حج به قدری در دعا‌های ماه مبارک رمضان چشم‌گیر است که معلوم می‌شود خدا می‌خواهد ضیافت خود را در طی این چند ماه متمیم کند. آغاز ضیافت همان شهر الله (ماه مبارک رمضان) است و پایانش هم ذی‌الحجه است که پایان اُشهر حج است؛ زیرا حج به نوبه خود ضیافت خداست. حاجیان «ضیوف الرحمن» اند. این تعبیر ضیافت که در صوم و در حج آمده است از روایات اسلامی گرفته شده است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱/۳۱۳).

خدای سبحان در تعبیری ویژه درباره حج در سوره آل عمران، آیه ۹۷ می‌فرماید همان‌گونه که حج برای خدا و وجوب آن از طرف اوست، انجام آن نیز باید «لله» باشد. پس اگر کسی به قصد سیاحت، تجارت و مانند آن، اراده حج کرد، چنین حجی که سیرِ اِلی الله نیست سَرّی ندارد؛ زیرا مهم‌ترین سرّ حج سیرِ اِلی الله است. چنانکه در بعضی از روایات، آیه ۵۰ سوره ذاریات بر «حج» تطبیق شده است (همان: ۵/۸). سفر حج، فرار از غیر خدا به سوی خداست و چون خدا همه‌جا هست: همچنان که در سوره زخرف، آیه ۸۴ و سوره بقره، آیه ۱۱۵ معنای «سیر اِلی الله»، سیر مکانی یا زمانی نیست. فرار به سوی خدا بدین معناست که انسان ماسوی‌الله را ترک کرده، خدا را طلب کند. پس اگر کسی حج را به قصد تجارت یا شهرت و مانند آن انجام داد، فرار «عن الله» کرده است، نه فرار «الی الله». اگر کسی به زاد و راحله، کسب و کار و همراهان خود تکیه کند، فرار به سوی همراهان کرده است، نه فرار به سوی خدا. سفر به سفره خود کرده است، نه سفر به سفره ضیافت‌الله. در کل یکی از اسرار حج آن است که انسان از غیر خدا بریده، به سوی خدا هجرت کند تا به لقای او نایل آید و این از هنگام تهیه مقدمات آغاز می‌شود. کسی که لباس احرام فراهم می‌کند، مالش را تطهیر، وصیت‌نامه‌اش را تنظیم و از بستگانش خداحافظی می‌کند، همه این امور را با عنوان فرار اِلی الله انجام می‌دهد. قهراً در همه این حالات با خداست. سیر چنین کسی «الی الله»، «فی الله»، «مع الله» و «لله» است. از این‌رو در بعضی از دعا‌های حج و مانند آن آمده است: «بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی مَلَّة رسول الله (مجلسی، ۱۴۰: ۱۲۰).

## ۲.۱. احرام

احرام بستن، آن‌گونه که در بیان نورانی امام سجاد (ع) آمده، بدین معناست که: «خدایا! ارتباطم را از غیر تو گسستم». پس این «عقد» و پیمان بستن، گسستن از غیر خداست؛ یعنی ابتدا گسستن از غیر خدا و آنگاه پیوستن به لطف حق است. ظهور توحید و تجلی بالغ آن در احرام که همراه با برهنه‌شدن از زینت زندگی دنیاست، همچون تمثیل حشر و معاد- که همان بازگشت به مبدأ است- در آن، امری آشکار است. از این‌رو براساس رهنمود امام سجاد (ع)، آنکه هنگام احرام بستن، از قلب نگذارند که: «خدایا! از هرچه غیر توست دست شستم و فقط به ولای تو دل بستم» در حقیقت به میقات نرفته و احرام نبسته است! البته مراد نفی کمال است، نه نفی صحت. کندن لباس دوخته، به هنگام احرام، به معنای بیرون آمدن از «جامه گناه» است. چنان که پوشیدن لباس احرام که لباسی ندوخته، رنگ نگرفته، حلال و پاک

است به معنای دربر کردن «لباس طاعت» است. سرّ دیگر دربر کردن آن جامه مخصوص، تذکر به روزی است که انسان با لباس ندوخته وارد آن می‌شود و آن روزمرگ است که کفن دربر می‌کند. بدین‌گونه در مناسک و مراسم حج، برخی اسرار قیامت متجلی شده و سفر مرگ و حضور در صحنه قیامت در نظر افراد مجسم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

## ۲،۲. طواف

یکی از ارکان مهم حج و یکی از نشانه‌های تجسم توحید در حج، طواف است؛ زیرا طواف بر گرد کعبه گرچه به منزله نماز است؛ الطَّوَّافُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ، لیکن آن عبادت ویژه‌ای است که فَاَیْنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ، در آن متجلی می‌شود، بر خلاف نمازی که امر الهی وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، در آن متحتم می‌شود. کعبه تنزل و تمثّل عرش و در محاذات بیت معمور و عرش خدا واقع است. پس اگر کسی به گونه‌ای شایسته، کعبه را طواف کند به بیت معمور در عالم مثال صعود می‌کند و چنانچه وظایف آن مرحله را هم ایفا کرد، به مقام عرش اله بار می‌یابد. بالاتر از این، مقام عترت طاهرین (علیهم السلام) است که حقیقت کعبه به آن‌ها فخر می‌کند؛ زیرا آنان بر محور «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «الله أكبر» طواف و عبادت می‌کنند. خدای سبحان برای اینکه انسان فرشته‌خو شده و آثار فرشتگان در او ظاهر شود، همان‌طور که با دستور روزه گرفتن از انسان‌ها می‌خواهد تا همان فرشتگان، از کارهای حیوانی حذر کنند، همچنین با قرار دادن کعبه در زمین که محاذی بیت معمور و تمثّل عرش خداوند است، به انسان‌ها امر کرد تا بر گرد آن طواف کرده و نام حق را زمزمه کنند و برای خود و دیگران از خدا آمرزش بخواهند و این‌گونه به ملائکه عرش الهی اقتدا کرده و بدانان شباهت پیدا کنند؛ زیرا فرشتگان، به ویژه پس از آزمونی که برای آنان در صحنه خلقت آدم (ع) و سجده برای او پیش آمد، بر گرد عرش حق را تسبیح و برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

## ۲،۳. نماز طواف

ظاهر نماز طواف این است که انسان در مکانی که ابراهیم (ع) ایستاده، به نماز ایستد و «باطن» آن این است که مکانت خلیل حق را دریابد و در آن مکانت مستقر شده، نماز چون نماز حضرت ابراهیم بگزارد و همان‌گونه که از بیان نورانی امام سجاد (ع) استفاده می‌شود: اکنون که به جایگاه ابراهیم خلیل قدم گذاشته، باید با هر طاعتی آشنایی برقرار کرده و از هر معصیتی، ابراز انزجار کند. کسی که با معرفت به اسرار عبادت، عمره یا حج می‌گزارد قدم جای قدم انبیا و ائمه (علیهم السلام) می‌گذارد و با توجه به سوال امام سجاد (ع) از شبلی که آیا در مقام ابراهیم، ابراهیم‌گونه نماز خواندی و بینی شیطان را به خاک مالیدی؟ آنگاه که به مقام ابراهیم می‌رسد در مکانت ابراهیم (ع) ایستاده و ابراهیم‌گونه نماز می‌گزارد و بینی شیطان را به خاک می‌مالد. اما کسی که در حال نماز، خلوص و خضوع و حضور قلب ندارد و گرفتار دسائس و وسوس و سیاست‌بازی‌ها و مانند آن است، در جای ابراهیم (ع) نایستاده است. او طعمه شیطان است و شیطان بینی او را به خاک مالیده است.

## ۲،۴. سعی بین صفا و مروه

سعی بین صفا و مروه، به سوی حق دویدن است؛ چنان‌که تردد بین آن دو کوه به معنای بودن در حالت ممدوح بین خوف و رجاست. مؤمن همواره بین خوف و رجا به سر می‌برد، اگرچه شدت و ضعف آن دو در مقاطع مختلف زندگی او، متفاوت است و این سرّ در سعی بین صفا و مروه جلوه‌گر است. سعی حج‌گزار و معتمر آنگاه که رو به جانب صفا دارد این است که خود را تصفیه کرده و از صفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می‌رود، سعی می‌کند تا مروّت و مردانگی به دست آورد؛ زیرا «مروه» رمز مروّت و مردانگی، و «صفا» نشان تصفیه و تهذیب روح است. چنان‌که امام‌صادق (ع) فرمود: «وَأَصْفُ رُوحِكَ وَسِرِّكَ لِلِقَاءِ اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ بِوُقُوفِكَ عَلَى الصَّفا وَكُنْ ذَامُرُوهُ مِنَ اللَّهِ نَقِيًّا وَأُصَافِكَ عِنْدَ الْمَرُوَّةِ. اصل و منشأ تشریح این رفت و آمد آن است که، هاجر به امید یافتن آب برای نوزاد خود، هفت بار از کوه صفا به مروه و از مروه به صفا آمد، لیکن سرّ سعی، همان‌گونه که بیان شد، نیل به صفا و باریافتن به مروّت و مردانگی است. بنابراین، حج‌گزار و معتمر واقف و نائل به سرّ سعی، دیگر چونان جوانمردان به سوی کار ذلیلانه دست دراز نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

## ۲،۵. تقصیر

یکی از مناسک و اعمال واجب در حج و عمره، تقصیر است، حلق یا تقصیر در اثنای احرام بر مُحرم حرام است ولی در بخش پایانی آن واجب است و با انجام آن بسیاری از امور هک بر وی حرام بود حلال می‌شود. حلق و تقصیر در مناسک حج مانند تسلیم در نماز است که تسلیم ابتدایی و عمدی در اثنای نماز حرام، ولی در پایان نماز واجب است و با تحقق آن شخص نمازگزار از حالت نماز خارج می‌شود و اموری که در نماز بر او حرام با تسلیم خاص بر او حلال می‌شود.

## ۲،۶. وقوف در عرفات

امیرمؤمنان امام‌علی (ع) درباره راز وقوف در عرفات فرمود: عرفات خارج از مرز حرم است و مهمان خدا باید بیرون دروازه، آنقدر تضرّع کند تا لایق ورود حرم شود. از این‌رو شب و روز عرفه دعاهای مخصوص دارد که جزو فضائل برجسته و وظایف مهم روز عرفه است. حج‌گزار با وقوف در عرفات باید به معارف و علوم دینی واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش باخبر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آن‌ها تواناست. از این‌رو امام‌سجاد (ع) به سائلی که در روز عرفه گدایی می‌کرد، فرمود: وای بر تو! آیا در چنین روزی، دست نیاز به سوی غیر خدا دراز می‌کنی؛ در چنین روزی برای کودکان در رحم امید سعادت می‌رود. حج‌گزار باید در آنجا بر این نکته عارف شود که خداوند به نهان و آشکار او و حتی آنچه برای خود او روشن نیست و به‌طور ناخودآگاه در زوایای روح او می‌گذرد آگاه است. انسان اگر بداند که قلب او در مشهد و محضر حق است؛ همان‌طور که خود را به گناهان جوارحی نمی‌آلاید گناه جوانحی نیز نمی‌کند و قلب خود را از خاطرات آلوده تنزیه می‌کند. حج موافق و مناسکی دارد که هریک با خصوصیتی همراه است که در دیگری نیست یا اندک است. از همین‌رو، و نیز به قرینه حدیث شریف نبوی «الْحَجُّ عَرَفَةُ» بعید نیست در عرفات معرفتی پدید آید که آن معرفت در مورد دیگر یافت نمی‌شود. حج به سبب همین آگاهی



خاص که جز در عرفات یافت نمی‌شود سبب تعالی و نیل انسان به اوج قلّه عالم امکان، یعنی «خُلِقَ عَظِيمًا» است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

## ۲,۷. مشعر الحرام

در این فرصت، زائران پاسی از شب را به جمع‌آوری سنگریزه برای رمی جمرات می‌گذرانند. راز وقوف و بیتوته در مشعرالحرام این است که، حج‌گزار قلب خود را با شعار تقوا آگاه کرده، تقوا و خوف از خداوند را شعار دل خود قرار دهد. تا قلب او با تقوا شناخته شود؛ که شعار هر قومی معرف آن قوم است. بنابراین، اگرچه تقوا در همه مناسک حج مطرح است لیکن تجلی ویژه آن هنگام وقوف در مشعرالحرام، مشهود واقفان بر اسرار است.

## ۲,۸. منا

امام سجاد (ع) در پاسخ به فردی که خدمت امام عرض کرد ما در مورد گذشتگانمان در منا با هم سخن می‌گوئیم، فرمود: راه بهتر برای کسب ثواب بیشتر و ادای شایسته‌تر حقوق گذشتگانتان، شهادت به وحدانیت حق و رسالت رسول خدا و ولایت و خلافت و امامت امامان معصوم (علیهم السلام) است. شایسته است زائران بیت‌الله الحرام هنگام بیتوته در منا درباره این اصول و معارف بحث کنند؛ زیرا شب‌های منا شب درس است، نه هنگام تشکیل محفل انس. آن‌که درباره توحید و رسالت و ولایت و مانند آن سخن بگوید، هم به فضیلتی علمی و معنوی نائل شده و هم حق نیاکان خود را بهتر ادا کرده است؛ زیرا پیام نیاکان او نیز این است که هر کار خیری که از ما سر زده به توفیق و امداد الهی بوده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

## ۲,۹. رمی جمرات

بیان قرآن درباره جلوه‌گاه تبرّی، یعنی رمی جمرات، این است که سنگریزه‌ها شیطان را رجم و طرد نمی‌کند بلکه این انزجار درونی شماسست که شیاطین انس و جن را می‌راند و شما را از هر شیطنت درونی و بیرونی محافظت می‌کند. در مورد رمی جمرات باید توجه داشت که نه آن جمره، شیطان است و نه این سنگ‌زدن رمی شیطان؛ زیرا رمی جمرات در زمان جاهلیت نیز مرسوم بود؛ چنان‌که در این زمان هم گاهی برخی شیاطین انسی این رمی را انجام می‌دهد. بدیهی است که شیطان هرگز با هفت سنگ طرد نمی‌شود. تنها راه طرد شیطان و درامان ماندن از آسیب‌های او استعاده عملی و به حصن الهی پناهنده شدن است؛ *وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ*. سنگ‌زدن به جمره‌ها رمز و نشانه‌ای از رمی دیو درون و بیرون و راندن شیاطین جنّی و انسی است. پس اگر کسی خود جزو شیاطین انسی بود هرگز قدرت و لیاقت تبرّی و رمی حقیقی را ندارد؛ چنان‌که اگر شیطان همنشین کسی شد، او نمی‌تواند همراه خود، یعنی شیطان را رمی کند.

### ۲،۱۰. قربانی

سرّ قربانی این است که حج گزار و قربانی کننده با تمسک به حقیقت ورع، گلوی دیو طمع را بریده و او را بکشد. بنابراین، صرف ذبح گاو و گوسفند یا نحر شتر و رها کردن آن بدون توجه به سرّ قربانی، مایه تعالی حج گزار نیست.

### ۲،۱۱. تراشیدن موی سر

تراشیدن موی سر در منا، نشانی از پاک شدن از آلودگی‌های اخلاقی و زدودن زنگارهای روح و بیرون آمدن از سنگینی و تاریکی گناهان است. شاید براساس همین نکته است که حج گزار به هنگام حلق از خدای تعالی می‌خواهد که برابر هر تار مویی، در قیامت نوری به وی عطا کند؛ «اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (جوادی آملی: ۱۳۸۸).

### ۳. حقیقت اسرار نماز از دیدگاه امام خمینی (ره)

حقیقت نماز، این است که نماز را غیر از این ظاهر «باطنی» است؛ یعنی حقیقت نماز، همان باطن آن است: نماز بلکه جمیع عبادات را غیر از این صورت و قشر و مجاز، باطن و لب و حقیقتی است و این از طریق عقل معلوم است و از طریق نقل، شواهد کثیره دارد (امام خمینی، ۱۳۸۱). تغییر حالت ائمه (ع) در نماز بر اثر خوف و خشیت خداوندی، دلیلی بر اثبات بُعد باطنی نماز است. باطن نماز نیز همانند ظاهر آن، آداب و شرایطی دارد که اقامه آن‌ها حقیقت نماز را محقق می‌کند. از برای نماز غیر این صورت، حقیقتی است و غیر از این ظاهر، باطنی است و همان طور که صورت آن را آداب و شرایط صوریه‌ای است، باطن آن را نیز آداب و شرایطی است که شخص سالک باید آن‌ها را مراعات کند (خمینی، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۶). مسئله دیگر درباره حقیقت نماز این است که «اصل نماز، یک رکعت است» و این سفر معنوی در طی این رکعت محقق می‌گردد. باید دانست که اصل صلاه، یک رکعت و بقیه رکعات آن از فرایض و نوافل برای اتمام همان یک رکعت است (همان: ۱۶). سپس به بیان حدیثی از امام رضا (علیه‌السلام) در این باره می‌پردازند. براساس نظر امام خمینی (ره) نماز اقامه توحیدهای سه‌گانه (توحید ذات، افعال و صفات) است. «بدان که اهل معرفت، قیام را اشاره به توحید افعال دانند، چنانچه رکوع را به توحید صفات و سجود را به توحید ذات اشاره دانند» (همان: ۱۴۶). از این بیان می‌توان نتیجه گرفت که اقامه نماز واقعی، اقامه‌ی توحید واقعی است و اقامه توحید مستلزم نفی هر چه غیر اوست، حتی خواسته‌های نفسانی. از این رو، حضرت امام (ره) پس از این که مهم‌ترین احوال نماز را در قیام و رکوع و سجود می‌بینند و آن‌ها را مقوم اقامه توحید می‌شمارند، بیان می‌کنند «پس گوئیم که چون صلاه معراج کمال مؤمن و مقرب اهل تقوی است، متقوم به دو امر است که یکی مقدمه دیگری است. اول، ترکیب خودبینی و خودخواهی که آن حقیقت و باطن تقوی است. و دوم، خودخواهی و حق طلبی که آن، حقیقت معراج و قرب است» (همان: ۳۵۰).

امام خمینی (ره) در سرّ اجمالی نماز و اجمال سفرهای چهارگانه عرفانی (اسفار اربعه در نماز) می‌نویسد: آن عبارت است از حصول معراج حقیقی و قرب معنوی و وصول به مقام فنای ذاتی است که در اوضاع به سجده ثانیه که فنای از

فناست و در اذکار به «ایاک نعبد» که مخاطبهٔ حضوری است حاصل شود، چنانچه برداشتن سر از سجده تا سلام که علامت ملاقات و مراجعت از سفر است، رجوع به کثرت است، ولی با سلامت از حجب کثرات و بقای به حق، و در اذکار «اهدنا الصراط المستقیم» رجوع به خود و حصول صحو بعد المحو است و با اتمام رکعت که حقیقت صلوه است، سفر تمام می‌شود و نباید دانست که اصل صلوه یک رکعت است (همان: ۱۵-۱۶). در این باره باید گفت پس از فراهم آوردن مقدمات سفر که همان مقدمات و مقارنات نماز است، سفر با نیت و گفتن تکبیر افتتاحیه در ابتدای نماز، آغاز می‌شود. حضرت امام (ره) دستور این کار را چنین بیان فرموده‌اند: پس تو ای سالک الی الله و مجاهد فی سبیل الله! چون اقامه‌ی صلب در محضر قرب نمودی، تخلیص نیت در پیشگاه عزت، و قبل خود را صفا دادی و در زمرهٔ اهل وفا داخل شدی، خود را مهیای دخول در باب کن و اجازه‌ی فتح ابواب طلب، و از منزل طبیعت حرکت کن و حجاب غلیظ آن را با تمسک به مقام کبریایی رفع کن، و به پشت افکن و تکبیر گویان وارد حجابی دیگر شو و آن را رفع کن، و به پشت سر افکن و تکبیر بگو و حجاب سوم را نیز مرتفع کن که به منزل باب القلب رسیدی؛ پس توقف کن و دعای مأثور بخوان: «اللهم انت الملک الحق المبین...» (همان: ۷۹). با ذکر جمله‌ای از آن حضرت که ارکان مهم نماز و رکعت اصلی آن را سه چیز دانسته‌اند، اسرار سفرهای عرفانی در نماز را با بیان اسرار آنها، ادامه می‌دهیم، بدان که عمدهٔ احوال صلوه سه حال است که سایر اعمال و افعال مقدمات و مهیئات آن است، اول، قیام و دوم رکوع و سوم سجود (همان: ۳۵۰).

در سر رکوع فرموده‌اند: حقیقت رکوع، تمام نمودن قوس عبودیت و افنای آن در نور عظمت ربوبیت است (همان: ۹۹). در سر سجود فرموده‌اند: بالجمله، سجده نزد اهل معرفت و اصحاب قلوب، چشم فرو بستن از غیر و رخت بر بستن از جمیع کثرات حتی کثرات اسماء و صفات و فنای در حضرت ذات است و در این مقام، نه از سمات عبودیت خبری است و نه از سلطان ربوبیت در قلوب اولیاء، اثری و حق تعالی خود در وجود عبد، قائم به امر است (همان: ۹۶). ایشان پس از ذکر عباراتی از یک حدیث دربارهٔ تشهد می‌فرمایند: اما اشاره به سر تشهد؛ به طوری که ذکر نمودیم، آنجا که می‌فرماید: «تعلم ان النواصی الخلق بیده الخ» و این اشاره لطیفه است به مقام تحقق به صحو بعد المحو که کثرات حجاب جمال محبوب نباشند و قدرت و مشیت حق را نافذ و ظاهر در مرائی خلقیه بیند (همان: ۱۱۶). امام خمینی (ره) در واپسین مرحله می‌فرمایند: از آنچه مذکور شد از سر صلوه که حقیقت آن، عبارت از سفر الی الله و فی الله و من الله است، در سر سلام، مطلبی دیگر معلوم می‌شود و آن، این است که چون سالک در حال سجده، غیبت مطلقه از همهٔ موجودات برای او دست داد و از همهٔ موجودات غایب شد و در آخر سجده، حالت صحو برای او رخ داد و در تشهد نیز حالت قوت گرفت، ناگاه از حال غیبت از خلق، به حضور منتقل شد و ادب حضور را به جای آورد و در آخر تشهد توجه به مقام نبوت پیدا کرد و در محضر ولایت آن سرور، ادب حضور را که سلام شفاهی است، به جا آورد و پس از آن به تعینات نور ولایت که قوای ظاهره و باطنهٔ خود عبادالله الصالحین است، توجه نموده، ادب حضور را ملحوظ داشته و پس از آن به مطلق کثرات غیبت و شهادت توجه پیدا نموده، ادب حضور را ملحوظ داشته، شفاهاً سلام تقدیم داشت و سفر رابع من الحق الی الخلق تمام شد و این اجمال را تفصیل بیش از این است که من عاجزم از گفتن و خلق از شنیدنش (همان: ۱۱۸-۱۱۹). لازم به ذکر است حالاتی که امام (ره) در هر یک از اجزای نماز برای نمازگزار ذکر

کرده‌اند، بیانگر حالات وارد بر نمازگزار در سفر خاصی است که به شماره سفر و آغاز و انجام آن، اشاره‌ی دقیق نداشته‌اند. همین امر، بیان اسفار را اجمالی‌تر کرده است.

#### ۴. حقیقت اسرار حج از دیدگاه امام خمینی (ره)

فریضة بزرگ حج در بین عبادات، از اهم فرایض است؛ و شارع نسبت به اسرار آن اهتمام زیادی دارد، در قرآن کریم در آیه ۹۷ سوره مائده خداوند می‌فرماید: خداوند کعبه را خانه احرام قرار داد (و حرم آن را واجب کرد) برای نگهبانی و ایستادگی مردم. امام خمینی با استناد به این آیه شریفه چندین سرّ را برای حج بیان می‌دارد که به برجسته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

##### ۴،۱. اجتماعی

ایشان در این باره می‌فرماید خداوند سرّ و انگیزه حج و غایت کعبه و بیت الحرام را نهضت و قیام مسلمانان برای مصالح ناس و توده‌های مستضعف جهان قرار داد. به نظر وی سرّ اجتماعی حج آن است که در این اجتماع بزرگ الهی، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آن‌ها با مشورت همگانی کوشش کنند (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۷۴/۱).

##### ۴،۲. سیاسی

از نظر امام خمینی اعلان برائت از مشرکان از ارکان توحیدی واجبات سیاسی حج است؛ و معتقد است که نه تنها اعلان برائت به آیام و مراسم حج، منحصر نشود که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۹۸/۱). بنابراین تکیه اصلی امام بر سرّ سیاسی حج این است که اعلان برائت از مشرکین تحقق یابد؛ چراکه این اشعار تبری از مشرکین، قبل از نهضت امام خمینی فراموش شده بود، و ایشان آن را احیا نمود. از همین رهگذر می‌توان گفت امام هم حج را اقامه نمود و هم بر طبق دستور قرآن در سوره توبه آیه ۳ عمل کرده است.

##### ۴،۳. عبادی و تربیتی

امام خمینی درباره سرّ عبادی و تربیتی حج ابتدا تأکید بیشتر دارد که حاج صور فقهی این واجب بزرگ را درست انجام دهند، آنگاه اشاره می‌کند به اسرار معنوی آن و می‌فرماید جهات معنوی حج بسیار است و مهم آن است که حاجی بداند که کجا می‌رود و دعوت چه کسی را اجابت می‌کند و مهمان کیست و آداب این مهمان چیست و بداند که هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است. اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهد و لبیک به راستی مقرون، نه نوای حق تعالی تحقق حقیقی یابد، انسان در همه میدان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی نظامی پیروز می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۸۵/۱).

## ۵. معماری خانه کعبه از جلوه‌های هنری اسرار حج

معماری خانه کعبه از جلوه‌های هنری اسرار حج می‌باشد نصویرسازی معنوی در معماری اسلامی به‌ویژه در معماری کعبه بی‌نظیر و نشانه‌سازی نمادهای آن مانند تضاد لباس سفید حجاج در برابر سیاهی سنگ کعبه قابل بررسی است.

### ۵.۱. آشنایی با معماری کعبه

نام کعبه اشاره به چهارگوش «تکعیب» (مربع) بودن این سازه دارد. کعبه: معنای مکعب و مربع است، و مربع بودن کعبه بدان جهت است که «بیت‌المعمور» مربع است و کعبه مقابل آن قرار دارد. مربع بودن بیت‌المعمور از اینرو است که مقابل «عرش خدا» است و آن مربع است. و مربع بودن عرش بدین خاطر است که «کلمات الهی» که اسلام بر آن بنا نهاده شده چهارتا است که عبارت‌اند از: «سبحان الله»، «الحمد لله»، «لا إله إلا الله» و «الله اکبر» حج یکی از مهم‌ترین آیین‌های دینی اسلام است و جزء فروعات دین است. مسلمانان با داشتن شرایطی مکلفند در دهه اول ماه ذی‌الحجه به شهر مکه در عربستان سعودی رفته و مجموعه‌ای از اعمال نیایشی را برجا آورند. تمام مناسک حج و عمره در دوره جاهلیت (قبل از اسلام) متداول بود و تنها بعضی تعدیلات در حج اسلامی نسبت به دوره جاهلیت روی داده است. از حج به‌عنوان هفتمین فروعات برای توسل به خدا نام برده شده. حضرت امام خمینی - قدس الله نفسه الزکیه: "حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست و مناسک حج مناسک زندگی است. برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب‌خانه است". ماندالا از ابتدایی‌ترین نمادهای شناخته شده برای بشر، ماندالا است.

مربع، یکی از اجزاء تشکیل‌دهنده ماندالا است و در بسیاری موارد مستقیم یا غیر مستقیم به آن ارجاع می‌دهد. ماندالاها دایره‌هایی نمادین برای تمرکز بر خویشتن و جستجو در درون انسان هستند. مرکز دایره جدول ماندالا برای تمرکز در حین مراقبه دینی به‌کار می‌رود. اشکال متقارن هندسی ماندالا خودبه‌خود توجه شخص را به مرکز دایره جذب می‌کنند. ماندالا، نمودار نمادین؛ هم تخیلی و هم توصیفی و معمولاً دایره‌ای است که یک مربع را محصور می‌کند؛ ماندالا الگوی هستی و نظامی است که بر مبنای تجسم مکاشفه‌ای استوار است. از نظر کیفی ماندالا (مناسک حج) مظهر روح و از نظر کمی مظهر هستی است. به‌صورت نمادین روح عالم است و شکل ترسیمی. مرکز، خورشید یا دروازه آسمان است؛ ابزار دستیابی به ملکوت. ماندالا مظهر جهان ملکوتی بر روی زمین است. گردی ماندالا، معمولاً نشان‌دهنده تمامیت طبیعی است؛ درحالی‌که شکل چهار گوش، نشان‌دهنده این تمامیت در خودآگاه است. ماندالا نمونه‌ای از هنر میرا هستند و بنابر این ارزش هنری در اینجا در درجه دوم اهمیت قرار دارد و نقاش هرگز پای اثر خود را امضا نمی‌کند. فردیت هنرمند در هنر میرا در فرآیند خلق از میان می‌رود، در حج این فرایند به‌خوبی مشهود است. فرد در دایره طواف جزئی از عالم ملکوت می‌گردد. در هنر میرا تنها لحظه خلق اثر ارزش دارد و چون این فرآیند به پایان برسد، اتصال غنی به مرکز کائنات نیز به پایان می‌رسد و از همین‌رو اثر نابود می‌شود. فرآیند خلق حج، در واقع تمثیلی از هستی انسان است که در چرخه‌ای از آفرینش و نابودی، یا تولد و مرگ و باززایی و بازمیری قرار گرفته و هیچ دوامی

ندارد. پس هفتمین طریقت برای اتصال، حج است. نکته ظریفش این است در این مرحله باید به دور کعبه هفت بار طواف کنیم و این هفت خود نشانه کمال است. هفت آسمان و زمین، هفت طریقت عرفان، ... هفت دایره جادویی.... کعبه محوری است که قلب‌ها به دور آن در چرخش‌اند. منجر به باز شدن درهای خودشناسی و بینش الهی می‌شود. باحج کامل‌ترین ماندالای هستی شکل می‌گیرد و فقط در این هنگامه کمال ماندالای هستی مفهوم خود را باز میابد.

## ۵,۲. کعبه از جلوه‌های اسرار ویژه حج

معماری خانه کعبه را از جلوه‌های هنری اسرار حج خواند می‌باشد. تصویرسازی معنوی در معماری اسلامی به‌ویژه در معماری کعبه بی‌نظیر و نشانه‌سازی نمادهای آن مانند تضاد لباس سفید حجاج در برابر سیاهی سنگ کعبه قابل بررسی است. پالایش هوای نفس و استمرار ارزش‌های الهی و همچنین این که با حج فهم عمیق‌تر و درک آزادی دیدگاه و اندیشه و بیان برای انسان گشوده می‌شود. در تعریف هنر دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که توصیف زیبایی و ثبت واقعیت‌های ذهنی از منظر ما تعاریف جامعی نیست ولی این ثابت است که هنر از سنخ کمال وجودی است و به همین خاطر اثر وجودی بر آن بار می‌شود، قدرت تحریک‌کنندگی مستقیم و غیرمستقیم دارد، گاهی مبدأ حس انسان را تغییر می‌دهد و قدرت ایجاد عشق و نفرت دارد. هدف و معیار در هنر و حیانی لذات مادی نیست. هنر مادی و الحادی متضمن فرح‌بخشی حسی است. وظیفه هنر تربیت و تعالی انسان و جامعه انسانی است و عنصر اصلی هنر یعنی زیبایی‌شناسی ریشه در سه واژه نظم، شکوه و فرح‌بخشی است که در قاموس ادبیات فرهنگ توحیدی، هنر و حیانی زمانی است که کشفی از حقیقت و یا جبران نواقص و کمبودها شده باشد. صفا و مروه در هنر الحادی حرکت بین وهم و خیال است و کار آن سرگرمی انسان و مرکز آن هوای نفس است که گاهی تحریک قوای شهوانی می‌کند همچنان که قرآن می‌فرماید کسی که از سراپرده هنر به خدا پی نبرد در میقات حیوانیت رها شده است ولی هنر و حیانی آهنگ توحید را زمزمه می‌کند و از بارگاه وحی و عقل برمی‌خیزد و به درگاه حس فرود می‌آید؛ صفا و مروه در هنر و حیانی پریدن از عرصه حس به عقل و شهود عرفانی است، به کمال اشیاء اهمیت می‌دهد، هنر و حیانی جنبه طهارت دل را به همراه دارد که به‌عنوان فریضه تمدن اسلامی است. معرفت، امنیت، قدرت، صداقت و حقیقت به‌عنوان معیارهای دیگر هنر و حیانی اشاره کرد و عنوان داشت: در هنر حج عنصری مثل هجرت و حرکت از ذهن به عین و از خاک به افلاک و از علم‌الیقین به عین‌الیقین و نزاهت از ماده‌ای وجود دارد که محصول آن تسلیم است و معرفت‌زایی تجریدی را به همراه دارد، منظومه ذوق و زهد و پرهیز را به منظومه عقل و عشق و عرفان پیوند می‌زند، وحدت‌بخشی، تمرین استقامت در مسیر حرکت الی‌الله بوده و غیب را به شهود می‌رساند.

هنرمندان متوحد برای معرفت‌زایی می‌توانند از هنر حج استفاده کنند؛ یکی از تجلیات هنری حج عدد هفت است که فلسفه آن از دریچه روایات و آیات قرآن به‌دست می‌آید، نوع دوم فرم هندسی اعمالی مثل طواف و نماز پشت حجراست، تصویرسازی معنوی در معماری اسلامی به‌ویژه در معماری کعبه بی‌نظیر است و نشانه‌سازی نمادها و نشانه‌های حج مثل تضاد لباس سفید حجاج در برابر سیاهی سنگ کعبه، ریتم، توازن در خانه کعبه و محرم شدن نیز قابل بررسی

است. نکته مهم نقش کعبه در هنر اسلامی است. از آنجایی که مربع کامل‌ترین فرم در معماری و مکعب نماد قدرت و استواری است و دیگر آن که این مکان بیت و خانه است و مکعب بودن ترسیم‌کننده تساوی حقوق انسان‌ها در چهارگوشه دنیا است. همچنین از منظر حکمت و عرفان، قرآن نقش اصلی و انکارناپذیری در ایجاد مبانی نظری مدنیت و هنر و معماری ایفا می‌کند. تأثیری که در هر هنری از جمله معماری قابل تأمل است. لذا بارزترین وجوه تجلی حقیقت در عبادتگاه‌های پیامبران است که تجلی‌گاه هنر قدسی می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

شبهت‌ها دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی با امام عبارت است از:

۱. دعوت به حج از دیدگاه هر دو عارف آیت‌الله جوادی آملی و امام خمینی (ره) از زمان حضرت ابراهیم می‌دانند همچنان که فراخوانی مردم به حج از سوی ابراهیم خلیل (ع) به فرمان خداوند در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره حج ذکر گردیده است.

۲. هر دو علامه و عارف بالاترین مرتبه اسرار نماز را در شهود جمال معبود نهفته می‌دانند زیرا همه مجاری ادراکی نمازگزار را مرتبط با آن جمال محض می‌کند و از غیر جمال معبود باز می‌دارد. از دیدگاه امام اسرار نماز عبادت از بعد عرفانی نماز است که هرچه انسان دنبال آن اسرار برود، بیشتر عروج و صعود به سوی حق در قلب او رخ دهد. در هر کدام از اسرار اذکار نماز، چه اذان و اقامه، قرائت، رکوع، سجود و... این خصوصیت نهفته است.

۳. از دیدگاه امام خمینی (ره) و علامه جوادی آملی اسرار نماز، از بعد عرفانی نماز است، که هرچه انسان دنبال آن اسرار برود، بیشتر عروج و صعود به سوی حق در قلب او رخ دهد. در هر کدام از اسرار اذکار نماز، چه اذان و اقامه، قرائت، رکوع، سجود و... این خصوصیت نهفته است.

۴. امام خمینی (ره) معتقدند حج دارای ابعاد مختلف و مهمی می‌باشد که می‌توان این ابعاد را در سه دسته مهم اجتماعی، سیاسی و عبادی- تربیتی تقسیم نمود. درحالی‌که آیت‌الله جوادی آملی بیشتر بر بعد عرفانی و تهذیب نفس و سیاسی حج تأکید دارد.

۵. امام خمینی (ره) حقیقت نماز را یک رکعت و آن را هم «سفری» می‌داند که مبدا آن بیت نفس و الی الله و فی الله و من الله است: از آن چه مذکور شد از سرّ صلوه که حقیقت آن عبارت است از: سفر الی الله و فی الله و من الله است. ایشان برای هریک از اوضاع و اذکار نماز، اسرار وجود دارد که اساس آن‌ها را چندین سفر تشکیل می‌دهد که در همه این سفرها همسفر خداست. اما آیت‌الله جوادی آملی اسرار نهفته در نماز را بیشتر بر پایه تهذیب نفس می‌داند.

## منابع و مأخذ:

### کتاب‌ها

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۰). آداب الصلوه، چاپ دهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۱). سرالصلوة معراج السالین و صلوة العارفين، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۲). صحیفه حج، تهران: نشر معروف.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). اسرار نهفته در اعمال حج، مجله الکترونیکی اسراء، شماره ۶.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). صهبای حج، چاپ دوم، مرکز نشر اسراء، قم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). صهبای حج، قم، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۱۴ق). أسرار الصلاة، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- زارعی سبزواری، عباسعلی. (۱۳۹۱). پرتوی از اسرار حج، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، مؤسسه نشر علوم اسلامی.
- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن بن علی بن محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل‌البيت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث.

### مقالات

- حق‌زاده، زهرا. (۱۳۹۶). «اسرار اعمال حج در قرآن و سنت»، نشریه میقات حج، شماره ۹۹، ص ۳۳-۲۵.
- زحیلی، وهبه؛ رهبر، محمدتقی. (۱۳۷۳). «نگاهی به اسرار حج»، مجله میقات حج، شماره ۱۰.
- مبلغ، میرحسین. (۱۳۹۰). «اسرار عبادات از منظر امام خمینی (ره)»، مجله حضور.
- نگارش، حمید. (۱۳۸۹). «اسرار سیاسی حج از منظر حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری - مدّ ظلّه العالی».
- میقات حج، ۱۹ (۷۴) ۱.